

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی

میرتضی نوری برمس

www.ketab.ir

سرشناسه: نوری برمس، مرتضی، ۱۳۷۲-

عنوان و نام پدیدآور: روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی / مرتضی نوری برمس.

مشخصات نشر: تبریز: انتشارات آنس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۲۶ص.

شابک: ۷۰۰۰ریال: ۹۲-۰۰-۷۲۵۷-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: کودکان استثنایی — روانشناسی

موضوع: Exceptional children -- Psychology

موضوع: آموزش‌های ویژه برای کودکان

موضوع: Early childhood special education

موضوع: کودکان عقب‌مانده — آموزش و پرورش

موضوع: Children with mental disabilities -- Education

رده بندی یکره: ۹۱۰/۱۵۵ن/الف/۲۳BF

رده بندی دیویی: ۱۵۵/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۴۳۷۲



روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی

مولف: مرتضی نوری برمس

ناشر: انتشارات آنس

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تعداد صفحه: ۱۲۶ رقی

تیراژ: ۵۰۰ جلد

چاپ و صحافی: سبز. امین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۷-۹۲-۰

قیمت: ۷۰۰۰ریال

www.onspub.com

حق چاپ محفوظ می‌باشد

تبریز خیابان ارک جدید مابین طالقانی و ارتش روبرو درمانگر

تلفن ۳۵۵۶۰۸۶۶ و ۰۹۱۴۴۱۴۳۶۱۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار
۹	فصل یک: تاریخچه دودکان استثنایی
۱۸	فصل دو: دسته‌بندی دودکان استثنایی
۴۳	فصل سه: واکنش والدین کودکان استثنایی
۷۵	فصل چهار: پیشگیری
۹۱	فصل پنج: آموزش و پرورش
۱۲۴	منابع و مآخذ

پیشگفتار:

کلمه‌ی بهنجار به افرادی اطلاق می‌گردد که در حد طبیعی و عادی گذران زندگی می‌کنند. از نظر عامه فردی که رفتارش چون دیگران است و مانند همه و به طور معمولی و عادی زندگی روزمره خویش را می‌گذراند بهنجار و طبیعی است. از نظر علمی چنانچه بهره‌ی هوش شخصی حدود (۱۰۰) صد باشد (براساس آزمون (تست) باشد یا به عبارت دیگر سن تقویمی و عقلی (ذهنی) خود برابری کند آن فرد عادی است. برای مثال می‌توان چنین گفت: چنانچه کودک ۹ ساله‌ای از نظر عقلی بزرگساله باشد و مانند کودکان ۹ ساله رفتار کند و از عهده‌ی انجام تست‌های هوشی مربوط به کودکان ۹ ساله برآید چنین کودکی بهنجار و طبیعی است. حال که تا حدی با کودکان و افراد بهنجار آشنا گردیدیم ببینیم پس کدام گروه از کودکان را استثنایی می‌نامند. از نظر آموزشی کودکان استثنایی کودکی است که نیاز به تعلیم و تربیت خاص داشته باشد و از کلاس و تعلیم و آموزش عادی نتواند بهره کافی گیرد و از جنبه کلی نیز چنانچه کودکی از نظر رفتار، هوش و یا گذران زندگی نتواند چون کودکان عادی رفتار نماید عمل کند و به جهتی با کودکان همسال خود تفاوت‌های رفتاری و گفتاری و کرداری و یادگیری داشته باشد و از حد یک کودک عادی همسن خود خارج باشد استثنایی نامیده می‌شود.

بأبررسی آمارهای بین المللی و توجه به وجود متجاوز از چهارصد میلیون (۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰) معلول و ناتوان در سراسر جهان و افزایش

این جمعیت به میزان قابل توجهی در هر سال اهمیت تعلیم و تربیت، رفاه، اشتغال و بالاخره نحوه زندگی افراد استثنایی با تعمقی اندک آشکار می‌گردد. چنانچه آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد، از هرده (۱۰) نفر مردم، مردم جهان یک نفر شناخته یا ناشناخته با معلولیت یا کمبودی درگیر است و حدود پنج درصد کودکان، در سراسر این جهان پهناور دچار نقصی جسمی یا ذهنی هستند و درصد قابل توجهی از این عده نیاز به آموزش ویژه و مراقبت های خاص دارند. این معیشتها و حقایقی نظیر وجود نارسایی هایی از جمله سوء تغذیه، جنگ، آلودگی، آلودگی و ازهم پاشیدگی بنیاد خانوادگی و کافی نبودن بهداشت و درمان، برخی از نقاط جهان نشانگر از دیار کودکان استثنایی و در نتیجه نیاز به توجه عمیق تر به این مسئله است. هر قدر جامعه ای در برابر افراد معلول و استثنایی احساس مسئولیت بیشتر نمایند و منابع مالی و انسانی را به این امر اختصاص دهد، آن جامعه دارای فرهنگ و اقتصادی پویاتر است. امروزه سرمایه گذاری و خدمت به گروههای مختلف استثنایی را نمی‌توان صرفاً عملی نیکوکارانه و نوع دوستانه دانست زیرا این مسئله امر جدی، اساسی، مهم، انسانی و تخصصی و علمی است.

زندگی میلیون ها انسانی که به هر دلیل از نقایصی برخوردار گردیده اند در میان است. تأمین آینده آنان، آموزش و پرورش و رفاه آنها مطرح است و این گروه با توجه به نوع معلولیت و توانایی خود نیاز به حرفه و کاری مناسب دارند از طرفی خانواده چنین کودکانی را نیز نباید از

نظر دور داشت زیرا آنان هم در معرض صدمات و مشکلات ناشی از معلولیت فرزند خویش هستند پس چنین عمل بزرگی احتیاج به برنامه ریزی، تحقیق و داشتن افراد متخصص دارد. نهادهایی باید از آنان حمایت کنند ولی ترحم هرگز. موسساتی باید برای آنان برنامه ریزی نمایند و امکانات آموزشی، رفاهی و کارایی فراهم آورند.

و آموزش و پرورش آنان باید متناسب با معلولیت و توانایی آنان باشد. اصولاً اگر برای این نظریه علمی باشیم که هر انسانی حتی در بالاترین سطح هوشی امکان دارد درباره ای از فعالیتها در حدی متوسط و حتی اندک از دیگران باشد و یا معلولیت در یکی از تواناییها برای هیچ فردی نمی تواند باعث پشیمانی او در سایر جنبه ها گردد باید قبول کنیم که بطور کلی ارزش پرورش و کمال مطلوب، آموزش و پرورشی است که بر اساس توجه به خصوصیات فردی و تواناییهای افراد برنامه ریزی شده باشد. پس آموزش و پرورش کودکان استثنایی نیز شناخت تواناییها و کفایتی کودکان استثنایی اهمیت ویژه دارد و برنامه ریزیهای آموزشی باید با توجه به همین تواناییها انجام پذیرد. اگر چنین کنیم و با توجه به تواناییهای کودکان استثنایی برنامه ریز آموزشی انجام گیرد. از کودکان استثنایی - آنها می توان افرادی خودکفا، بلکه افرادی با بازده اقتصادی و نقش آفرین برای جامعه تربیت کرد و در آن صورت است که نه تنها کودکان و افراد استثنایی از زندگی آسوده و مرفهی برخوردار خواهند شد بلکه اجتماع نیز به آنچه درباره آنان انجام داده است، مفتخر خواهد بود. بدون شک

جامعه ای آسوده خواهد زیست که معلولان آن از آسایش و رفاه کامل برخوردار باشند و دموکراسی و عدالت واقعی زمانی تحقق پیدا می کند که همگان متساوی (در حد توانایی) از نعمت های موجود بهره مند باشند و تفاوتی بین کودک عادی، تیز هوش یا معلول وجود نداشته باشد. (از نظر ارزشی)

www.ketab.ir